گزارش

تجسم کتاب در هنری تجسمی

آیا نمادهای شهری با موضوع کتاب و کتاب‌خوانی در ترویج این فرهنگ تأثیرگذارند؟

غزاله حسین‌پورا شاید شما هم از آن دسته از شهروندانی باشید که در خیابان دانشگاه با کتابخانه‌ای بدون متصدی و دیوار و سقف روبه‌رو شده‌اید اما وقتی خواسته‌اید کتابی از قفسه بردارید، آن را نمونکی چوبی و کتابی دکوری و غیرواقعی یافته‌اید. یا ممکن است المان‌های (نمادها) شهری دیگری با موضوع کتاب و کتاب‌خوانی در سطح شهر دیده باشید. به نظرتان در این روزگار افول فرهنگ مطالعه، چنین نمادهایی می‌توانند دوباره توجه شهروندان را به اهمیت این فرهنگ جلب کنند؟

گزارش پیش رو برای رسیدن به پاسخ این پرسش و در پی توجه مدیریت شهری مشهد به المان‌هایی با موضوع کتاب و کتاب‌خوانی فراهم شده است.

ظرفیت هنرهای شهری را بیشتر به کار خواهیم گرفت

صدرا یوسفی، مدیرعامل خانه هنرمندان مشهد، مطالعه و کتاب‌خوانی را جزو موضوعات اصلی و مهم مجموعه تحت مدیریتش می‌خواند که هم در فراخوان‌ها و هم در جشنواره «خانه بهار» مدنظر قرار می‌گیرد. او می‌گوید: هم‌اکنون ۹ المان متنوع با موضوع مطالعه در سطح شهر مشهد داریم که از سازه‌هایی به شکل چند جلد کتاب روی هم تا المان‌های محتوایی را در بر می‌گیرد، آثاری مثل درخت دانش در بولوار فرهنگ یا المان کتابخانه که روبه‌روی کتابخانه مرکزی مشهد قرار دارد.

به گفته او، المان کتاب‌خوانی به عنوان کانسپت طراحی، موضوعی است که هنرمندان به آن علاقه و تمایل نشان می‌دهند و خانه هنرمندان نیز ارائه آثاری با این موضوع در زمان‌های مختلف را در دستور کار خود دارد.

یوسفی همچنین از تقاضای بخشی از دانشجویان دانشگاه فرهنگیان برای انتقال المان درخت دانش به درون دانشگاه و پیام‌های شهروندی مبنی بر قرار گرفتن طرح کتاب‌های موردعلاقه شهروندان روی جلد نمادها خبر می‌دهد و می‌افزاید: واضح است همان‌طور که هنرمندان به این موضوع علاقه نشان می‌دهند، مورد توجه و علاقه مردم نیز هست. از این رو، وظیفه خود می‌دانیم از ظرفیت هنرهای شهری برای ارتقای فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی بیشتر استفاده کنیم.

تأثیرگذاری به‌سرعت رخ نمی‌دهد

دکتر احمدرضا اصغرپور ماسوله، عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، هدف المان‌های شهری را عموما مرتبط با جنبه زیبایی‌شناختی و تأثیر آن‌ها بر یادآوری و جلب توجه شهروندان به یک خاطره، رویداد، هنجار یا ارزش در شهرها می‌داند: در همین راستا نمادهایی که هدفشان یادآوری ارزش و مقام و اهمیت مطالعه و کتاب است می‌توانند بسیار مهم باشند و جنبه فرهنگی یک شهر را نشان دهند.

این جامعه‌شناس درعین حال یادآور می‌شود که لزوما هیچ المانی بی‌درنگ یا در کوتاه‌مدت تغییر رفتار به وجود نمی‌آورد: ساخت المان‌ها به شکلی که جلب توجه بیشتری کنند، از این نظر اهمیت دارد که انسان‌های بیشتری آن‌ها را ببینند و با آن‌ها عکس بگیرند و احتمالا عکس‌ها را منتشر کنند و از این طریق، ارزش متعالی کتاب‌خوانی اشاعه پیدا کند، اما این به آن معنا نیست که افرادی که از آنجا عبور می‌کنند لزوما رفتارشان در کتاب‌خوانی تغییر خواهد کرد. تغییر رفتار فرایندی پیچیده و در بسیاری از موارد طولانی‌مدت است.

او درباره نمادهای شهری موجود در مشهد نیز می‌گوید: بعضی المان‌ها جالب و جذاب و برخی‌ها تکراری و فاقد ایده نو هستند. عموما به لحاظ اجتماعی المان‌هایی جذاب‌تر هستند که مردم بتوانند به آن‌ها نزدیک شوند و خودشان چیزهایی در آن‌ها کشف کنند و احتمالا بتوانند آن‌ها را جابه‌جا کنند. یعنی مردم در مقابل این المان‌ها منفعل نباشند. به نظرم المان‌های حجمی و دارای فضا از نمادهای ساده، همچون مجسمه، جذاب‌تر هستند.

اصغرپور ماسوله پیشنهادی هم برای نمادهای کتاب و کتاب‌خوانی دارد و آن این است که امکانات و مشوق‌هایی مثل استفاده از کتاب‌های واقعی برای مطالعه در آن‌ها دیده شود زیرا لزومی ندارد همیشه کتاب‌ها نمایشی و غیرواقعی باشند.

به مخاطب دانش‌آموز و دانشجو بیشتر توجه شود

ماشاءا... جعفرنیا، نویسنده و فعال فرهنگی، اوضاع کتاب و کتاب‌خوانی را در جامعه امروز ما فاجعه می‌داند اما اعتقاد دارد برای مقابله با این فاجعه، ارائه المان‌های شهری آغازی خوب است. او از نمادهای واقع در چهارراه گلستان و بازار کتاب گلستان و ویترین‌های کتاب که در برخی فرهنگ‌سراها قرار دارد و نیز قفسه‌هایی که شهرداری برای ارائه کتاب رایگان در برخی نقاط شهری تعبیه می‌کند به عنوان نمونه‌هایی از ایده‌های خوب و مؤثر نام می‌برد.

جعفرنیا وجود نمادهای مطالعه در سطح شهر را در رشد علاقه شهروندان به کتاب سودمند برمی‌شمرد و پیشنهاد می‌دهد که برای افزایش تأثیرگذاری، چنین نمادهایی بیشتر جلو مدارس و دانشگاه‌ها نصب شود.

لزوم بهره‌گیری از شعر فارسی در المان‌ها

مهناز رضایی، شاعر و نویسنده و منتقد، سیر مطالعه در دهه‌های اخیر را همراه با شیب تند نزولی وصف می‌کند و این وضعیت را زنگ خطری جدی می‌خواند، زیرا ملتی که دانایی را فراموش کند از گردونه فرهنگ و تمدن جهانی بیرون گذاشته خواهد شد. او با تأکید بر اینکه ما در هیچ کجا و در هیچ کاری نباید اجازه بدهیم مشعل دانایی و تفکر خاموش بشود، درباره نمادهای طراحی‌شده و استفاده از خطوط نقش‌برجسته با محتوای شعر فارسی در آن می‌گوید: شهرداری برخی المان‌ها را با تم معماری ایرانی‌اسلامی و با استفاده از شعر فارسی تدارک دیده است که این‌ها خوب است. به‌ویژه شعر که می‌تواند در خوش‌نویسی جان دوباره بگیرد و در جای‌جای شهر به چشم بخورد. شعر تأثیر شگفتی دارد. موجز است و در گذر یک نگاه هم با عابران می‌ماند و جان و روح و اندیشه را درگیر می‌کند. خوب است که از قدرت شعر برای تنفس جان مردم شهر استفاده شود. بگذاریم فرزندان ما به یاد بیاورند که چه اندازه حکمت و نغزگویی و اندیشه در یک بیت شعر کهن هست.

از نظر این فعال ادبی، نقش‌هایی از قهرمانی‌ها و افسانه‌ها و اسطوره‌ها در قالب هنرهای اصیل بر دیوارهای شهر و یا جان گرفته در هنرهای تجسمی، می‌تواند ارائه الگوهای دوست‌داشتنی به جوان امروز باشد. رضایی به لزوم ارائه سرمشق مناسب و ترویج فرهنگ مطالعه به این منظور اذعان می‌کند و از این رهگذر، تعبیه نمادهایی با اهدافی از این دست را مفید ارزیابی می‌کند: به دور و برمان نگاه کنیم. جوان امروز نمی‌داند دنبال که راه بیفتد، نمی‌داند چه پوششی برازنده اوست، نمی‌داند سیاوش کیست، تهمینه کیست، نمی‌داند بر چه زمینی قد کشیده است. همین امروز و فرداست که ایرانی بودن خود را نیز انکار کند. عشق به مطالعه یعنی نوید تولد ۱۰۰۰ جامی دیگر، ۱۰۰۰ پورسینای دیگر، ۱۰۰۰ رودکی دیگر. این همه استعداد و شور، خداوند در جان ایرانیان ودیعه گذاشته است و ما دست‌بردست، نشسته و به جهان خیره مانده‌ایم که چطور چرخ ارابه‌اش را روغن می‌زند و پیش می‌تازد. بنابراین دغدغه‌مندی فرهنگی، یک شروع خوب است و امیدبخش.

یادمان‌های مطالعه بیشتر شوند

سهیلا دیزگلی، نقاش و شاعر و مدرس هنرهای تجسمی، می‌گوید در سطح شهر چند المان با این مضمون دیده و توجهش جلب شده است: این نمادها هم از لحاظ بصری زیبایی ایجاد می‌کند و هم از دید مفهومی که بیان می‌کند، یعنی توجه به کتاب خواندن، اهمیت می‌یابد. در سال‌های اخیر، این المان‌ها خیلی تأثیرگذار بوده‌اند و کشوری که سرانه مطالعه در آن خیلی پایین است قطعا می‌تواند تحت تأثیر این نمادها قرار گیرد.

او در پایان می‌گوید: پیشنهاد من این است که المان‌های شهری بیشتر شوند و علاوه بر اینکه برای زیباسازی شهر ساخته می‌شوند، به مضامینی این‌چنینی نیز توجه داشته باشند چون شهروندان آن‌ها را می‌بینند و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند.

هوای تازه

خلق شعر ماندگار نیازمند آگاهی است

گفت‌وگو با شیوا هاشمی، شاعر جوان مشهدی

ندا کیان| «در خواب‌هایم راه رفتم/ بین سپیدارها گشتم/ تو را نیافتم!/ آن کسی که ردای سیاه به تن دارد/ و آسمان را شخم می‌زند/ نگاهم کرده است/ می‌دانم به جمع چلچله‌ها دعوت شده‌ام/ و دندان‌هایم زمانی می‌افتند/ که بیدار شده باشم!

این شعر سروده شاعری است که به‌رغم جوانی، سال‌هاست در عرصه ادب قلم می‌زند. شیوا هاشمی سال ۱۳۶۲ در مشهد متولد شده و از دوران دبیرستان شعر گفتن و داستان‌نویسی را آغاز کرده است. او سال ۸۰ به واسطه فعالیت در هیئت مؤسس کانون شعر و ادب دانشگاه فردوسی مشهد، به توان و استعداد ادبی خود پی می‌برد و آن را بیشتر جدی می‌گیرد. به همین علت، مطالعاتش را به سمت و سوی ادبیات می‌برد و با انجمن‌های ادبی و نشریات دانشگاه همکاری می‌کند. ادامه این مطلب را که حاصل گفت‌وگوی کوتاه ما با اوست بخوانید.

عواطف در مسیر اجتماع

هاشمی وقتی با خواندن شعرهایش در محافل واکنش‌های مثبتی دریافت می‌کند، شعر را مسیر اصلی خود قرار می‌دهد. خودش حال‌وهوا و موضوع سروده‌هایش را بیشتر عاطفی و اجتماعی می‌داند و در این بین، گرایش خاصی به دومی نشان می‌دهد: سعی می‌کنم آثارم را به سمت اجتماعی شدن سوق دهم، چون به نظرم هر شخصی در اجتماع جزئی از یک کل است و دغدغه‌هایش می‌تواند دغدغه‌های اجتماعی باشد.

توجه و همدردی این شاعر جوان با انسان‌های دیگر، گاه فراتر از گستره شهر و دیار است و مرزها را درمی‌نوردد: «... می گفتی آن‌ها خواهرت را کشته‌اند و عکسش را سردر کابُل آویزان کرده‌اند/ می‌گفتی خواهرت همیشه کنار در می‌نشسته و برای کبوترها غذا می‌ریخته/ می‌گفته باید حواسش به پرنده‌ها باشد/ پرواز گاهی خسته‌کننده است!...»

شعری که شعور است

از او درباره نگاهش به شعر که می‌پرسیم، توضیح می‌دهد: شعر برای من از شعور و آگاهی می‌آید و با آن، امکان ورود به دنیای آگاهی و ساختن یک جهان‌بینی متفاوت برای زندگی فراهم می‌شود. وقتی به این عرصه ورود کردید، باید پدیده‌ها را بهتر متوجه شوید و خیلی قشنگ‌تر تجزیه و تحلیل کنید. پس چیزهایی که برای دیگران امری عادی است برایتان دارای مفهوم خواهد شد. وقتی از این دیدگاه به پدیده‌های هستی نگاه کنید، زندگی را متفاوت خواهید دید.

هاشمی ادبیات را عاملی برای رسیدن به یک جهان‌بینی بزرگ‌تر و ماندگار شدن می‌داند و تصریح می‌کند: همه ما انسان‌ها دوست داریم جاودانه باشیم. شاید دیدگاه من در بحث ادبیات و شعر، آرمانی باشد اما دیدگاه من است. متأسفانه امروز در ایران نگاهی ابزاری به ادبیات رایج است. به همین علت، کارهای ماندگار چندانی خلق نمی‌شود. هرکس قشنگ‌تر حرف بزند، جنبه ادبی کارش بیشتر به چشم می‌آید، درحالی که اشراف به زبان که ضرور هم هست با آموزش درست می‌شود، ولی برای خلق اثری ماندگار، به شعور و آگاهی‌ای نیاز است که با آموزش درست‌شدنی نیست.

کار گروهی نمی‌دانیم

این شاعر جوان مشهدی، ادبیات کلاسیک را سرمشق خود مطرح می‌کند و می‌گوید: من در مراحل مختلف الگوهای بسیاری داشته‌ام -مثلا نگاهی زن‌محور- اما بیشتر جهان‌بینی ادبیات کلاسیک را الگوی خود قرار داده‌ام. به همین دلیل، نگاه کسانی چون ابوسعید ابوالخیر و مولوی و حافظ و سعدی بر کارم احاطه دارد.

یکی دیگر از پرسش‌های ما از او درباره فضای شعر و شاعری در مشهد است که می‌گوید: به نظرم، علاوه بر مشکلات مالی، اتحاد و به‌هم‌پیوستگی و کار گروهی نیز در بین شاعران به‌خوبی شکل نمی‌گیرد و به طور کلی هم از اهالی هنر حمایتی نمی‌شود. اما این نقطه قوت را هم داریم که در شهر ما شاعران خوب بسیاری، از زن و مرد، هستند، اگرچه تا اندازه‌ای مهجور مانده‌اند.

با این همه، شاعر دفتر «باد اصیل است» که این مجموعه را در سال ۸۴ با انتشارات بوتیمار منتشر کرده است، حالا بعد از وقفه‌ای طولانی قصد دارد دفترهایی دیگر از سروده‌هایش را منتشر کند، سروده‌هایی که در همه این سال‌ها نوشته و قرار است قالب کتاب به خود بگیرند.

فوتوشهر
www.photoshahr.ir

آگهی مناقصه
موضوع: مناقصه اخذ عوارض از تابلوهای تبلیغاتی
سازمان میادین میوه و تره بار و ساماندهی مشاغل شهری شهرداری مشهد مقدس در نظر دارد انجام کلیه امور مربوط به شناسائی، اخذ عوارض و صدور مجوز تابلوهای سطح شهر و ساماندهی و جمع آوری کلیه تابلوهای غیر مجاز منصوبه در سطح شهر مشهد را از طریق مناقصه عمومی به واجدین شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه اشخاص حقوقی دارای فعالیت مرتبط دعوت می گردد جهت دریافت اسناد مناقصه به سامانه ارجاع کار شهرداری مشهد مراجعه نمایند.
مبلغ سپرده شرکت در مناقصه: معادل ۱.۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال
آخرین مهلت تحویل پیشنهادات: ساعت ۱۴:۱۵ یک شنبه مورخه ۱۳۹۸/۱۰/۱۵
جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۵۱۳۱۲۹۸۰۶۵ و ۰۵۱۳۱۲۹۸۰۴۷ تماس حاصل نمایید.
(سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار می باشد)
(هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد)
جهت کسب اطلاعات بیشتر به آدرس سایت www.samesh.mashhad.ir مراجعه نمایید
روابط عمومی سازمان ساماندهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد

نگارستان

درهم‌تنیدگی معنی‌دار رنگ‌ها

نگاهی به نمایشگاه نقاشی گروهی نقش سرخ در نگارخانه اشراق

امیرمنصور رحیمیان| سال ۱۳۱۲ رضاخان تعزیه‌خوانی را رسما ممنوع کرد. دستور اکید داد که به‌طور جدی با تماشاگران و اجراکنندگان این مراسم برخورد کنند. ازطرفی یک مشت آدم بادمجان دورقاب‌چین وارد معرکه شدند و برای تجددخواهی و نوگرایی سرسلسله پهلوی کف زدند و خاطرش را جمع کردند که «خوب کاری کردید این بساط قجری را جمع کردید.» این تجددطلبی جاهلانه، نفس خیلی‌ها را تنگ کرد و جلوی کسان دیگری را هم گرفت؛ ازجمله هنرمندان گمنام، مردمی و فراموش‌شده در گردوغبار تاریخ که با شعر و موسیقی، ارادتشان را به ائمه اطهار(ع) و به‌طور خاص امام حسین(ع) اعلام می‌کردند؛ بازیگران، شاعران و نوازندگانی که لابه‌لای مردم زندگی می‌کردند و برای عرض ارادت به امام شهید، هر سال مخفیانه جمع می‌شدند. گویی در آن شرایط، هنر زبان دیگری را برای توصیف عاشورا انتخاب کرده بود و گرچه در سده‌های گذشته و سلسله‌های پیش‌تر، کم‌رنگ و محدود دنبال می‌شد، آن سال‌ها بیشتر و بارزتر وارد میدان شد.

«نمایشگاه نقش سرخ» با نگاهی به عاشورا و با به کار گرفتن سبک‌های پست‌مدرن، آبستره، اکسپرسیونیسم و امپرسیونیسم برای توصیف آن، در راه خلق دید جدیدی به این واقعه تلاش می‌کند. آثاری با مفاهیم آتش، آب، خون، تنهایی و غربت که با درهم‌تنیدگی معنی‌دار رنگ‌ها، حرکت‌های ریتم‌دار و آزاد قلم و رنگ روی بوم می‌خواهند فضای ذهنی هنرمندان را درباره کربلا و اتفاقی که در آن افتاده است، نشان بدهند. شجاعت هنرمندان و استادان کاربلدشان، باعث می‌شود بار دیگر به همین نکته برسم که هنر، هر زمان چیزی در چنته دارد که رو کند و مارا غرق لذت.

ولی دو نکته هم باعث می‌شود رنگ تند سرخ این نمایشگاه، قدری لکه بگیرد و کم‌رنگ شود. اولین نکته برمی‌گردد به نگارخانه. تماشای خالی بودن تماشاخانه‌ها، نگارخانه‌ها و سالن‌های نمایشگاه برای من، کمی بیشتر از معمول دردناک است. اینکه هنرمندانی کارشان را در سالن نگارخانه اشراق به تماشا می‌گذارند، چند دلیل دارد که به‌جز دوتایش، بقیه‌اش برایم گنگ و نامفهوم است. هرقدر تلاش می‌کنم که خوش‌بین باشم، دلایلی به‌جز مجانی بودن نگارخانه اشراق یا نمایش آثار هنرمندان فعال در حوزه هنری استان، برای به‌نمایش درآوردن آثار هنرمندان، به ذهنم نمی‌رسد.

نگارخانه‌ای که به‌شدت خلوت است؛ چون اطلاع‌رسانی و تبلیغات درست‌ودرمان ندارد. بدون نگهبان است، طوری که اگر دو تابلو را هم می‌زدیم زیر بغلمان و از در می‌رفتیم بیرون، کسی عارضمان نمی‌شد و در بدترین جای ساختمان بزرگ حوزه هنری ساخته و به معنی واقعی کلمه، رها شده است. از حوزه هنری انقلاب اسلامی به‌عنوان یکی از متولیان فرهنگی شهرمان انتظار می‌رود که برای نمایشگاه‌هایی این‌گونه، کمی بیشتر تامل کند. بیشتر تبلیغ و بیشتر مراقبت کند.

نکته بعدی هم به کارها برمی‌گردد. یعنی باید قبول کنیم که همه کارها، حتی از هنرمندان درجه‌یک، نقطه‌های تاریک و معایبی دارند. شاید اگر کمی سخت‌گیرانه‌تر نگاه می‌کردیم، بعضی کارها اصلا نباید اکران می‌شد؛ آثاری که مفاهیم ساده‌ودم‌دستی را به ناموزون‌ترین شکل، نمایش داده و نمایشگاه را از یکدستی خارج کرده بودند. کارهایی که گویی فقط آمده بودند تا دیوار نمایشگاه را پر کنند. البته در مقابل کارهایی هم بودند که از پرداخت‌های چشم‌نواز و هم‌نشینی‌های مطلوب رنگ و رعایت فرم درعین به‌هم‌ریختگی بهره برده بودند. این موضوع کمی عجیب‌وغریب بود و این سوال را در ذهن ایجاد می‌کرد که:

هنرمندان می‌خواسته‌اند سبک‌های مختلف را نشان بدهند یا قدرت قلمشان را به رخ یکدیگر بکشند؟

به هر تقدیر، لطفا به زیرزمین حوزه هنری، بین هاشمیه ۲۰ و ۲۲، بروید و از این آثار دیدن کنید. این نمایشگاه تا پنجم دی از ساعت ۱۷ تا ۲۰ پذیرای هنرمندان و هنردوستان است.

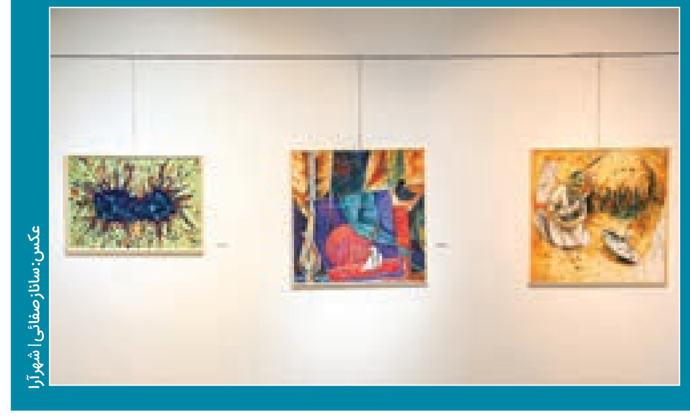

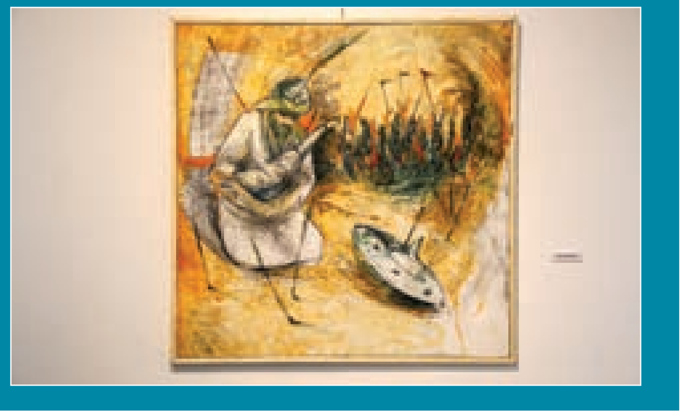

عکس: ساناز صفائی | شهرآرا

همراه با فجر ۹۸

اولین گام مشهدی‌ها برای دریافت تندیس

نامزدهای دریافت جایزه بخش مسابقه نمایشنامه‌نویسی جشنواره تئاتر فجر معرفی شدند

نگار رادا سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر قرار است امسال، به دبیری نادر برهانی‌مرند، از ۱۰ تا ۲۰ بهمن در هشت بخش نمایشنامه‌های صحنه‌ای، نمایش‌های خیابانی، دیگر گونه‌های اجرایی، تئاتر ملل، مسابقه نمایشنامه‌نویسی، مسابقه و نمایشگاه عکس و پوستر تئاتر، کارگاه‌ها و نشست‌های تخصصی «و به‌علاوه فجر» برگزار شود. در این بین از اولین بخش‌هایی که آثارش بررسی و داوری شده‌اند، مسابقه نمایشنامه‌نویسی بوده‌است.

با پایان مهلت دریافت آثار در تاریخ ۱۵ شهریور امسال، هیئت داوران مسابقه نمایشنامه‌نویسی این دوره از جشنواره، متشکل از خسرو حکیم‌رابط، پیام لاریان و مهدی میرباقری، بررسی آثار را آغاز و اعضای این هیئت روز گذشته نامزدهای دریافت جایزه بخش مسابقه نمایشنامه‌نویسی سی‌وهشتمین دوره جشنواره تئاتر فجر را معرفی کردند.

به‌گزارش روابط‌عمومی این رویداد، درمیان هفت نامزد اعلام‌شده، نام دو نمایشنامه‌نویس مشهدی نیز دیده می‌شد. «بمب‌های دست‌نویس»، نوشته مجید بخششیان‌تیماجی و «ورشو»، نوشته علی حاتمی‌نژاد، دو نماینده مشهد هستند که برای کسب جایزه این بخش باید با پنج نمایشنامه‌نویس تهرانی رقابت کنند. حضور این دو نمایشنامه مشهدی درمیان آثار نهایی انتخابی داوران، می‌تواند امید کسب جوایز بیشتر در جشنواره امسال را برای تئاتری‌های مشهد پررنگ‌تر کند. لازم به ذکر است برگزیدگان این بخش در روز اختتامیه جشنواره تئاتر فجر معرفی خواهندشد.

زندگی با سینما

روایت حقیقتی از سکوت

گفت‌وگو با امیرمهدی حکیمی، تنها مشهدی برنده جایزه از سیزدهمین جشنواره سینماحقیقت

رضا زوزنی| تنها فیلم مستندی که از مشهد راهی سیزدهمین دوره جشنواره «سینماحقیقت» شد و توانست در بخش رقابتی جایزه بگیرد، مستند بلند «مهدی که به‌دنیا آمد» است. این فیلم را امیرمهدی حکیمی که یک طلبه مشهدی است، به‌همراه دوست و همکارش، حجت بامروت، کارگردانی کرده است. فیلم یادشده درمیان فیلم‌های نامزد دریافت جایزه از سینماحقیقت قرار گرفت و موفق شد برای «بهترین نوشتار و گفتار متن» جایزه بگیرد. مهرداد جلوخانی هم برای بخش «بهترین طراحی و ترکیب صدا» نامزد شد. نخستین فیلم حکیمی و بامروت، در گام دوم خود، برای حضور در جشنواره فیلم فجر نیز متقاضی شده است که با این حساب می‌توان به حضور دوباره آن در یک رویداد ملی و بین‌المللی امیدوار بود. در ادامه گفت‌وگویی کرده‌ایم با امیرمهدی حکیمی که هم یکی از کارگردانان این فیلم است و هم یکی از تهیه‌کنندگان آن.

یک فیلم، یک جهان

پدر و مادر مهدی، شخصیت اصلی فیلم، هر دو ناشنوا هستند. مهدی به‌منظور برقراری ارتباط با آن‌ها، زبان اشاره را فرامی‌گیرد. او دوست دارد پزشک شود و ماه‌ها برای کنکور درس می‌خواند، اما در یکی از سفرهای زیارتی که به‌عنوان مترجم به‌همراه گروهی از ناشنوایان به کربلای معلا سفر می‌کند، تصمیمش عوض می‌شود و می‌خواهد یک مبلغ دینی برای جامعه ناشنوایان شود. همه این عباراتی که از داستان فیلم خواندید، تازه نقطه عطف اول آن است و اتفاقات مختلفی در زندگی مهدی ظریفی می‌افتد که در این فیلم گنجانده شده است و فقط باید فیلم را دیده باشید تا توصیف‌هایی که از مستند «مهدی که به‌دنیا آمد» گفته می‌شود، به جانتان بنشیند. یا من آن چنان تخصصی در حوزه سینما ندارم یا مدت‌ها بود که مستندی به این جانداری و باشخصیتی ندیده بودم. به نظر می‌رسد هرچه درباره آن بنویسم، کاستن از بار ماجراست. تنها می‌توانم آرزو کنم هرچه زودتر فرصتی پیش بیاید تا این فیلم را ببینید. اینکه بخواهم فیلم را برایتان تعریف کنم، تنها زاویه نگاه خودم را به شما تسری داده‌ام. نه اینکه گمان کنید با یک مستند عجیب‌وغریب روبه‌رو هستید، نه، «مهدی که به‌دنیا آمد» چیزهایی در خود دارد که به‌نظر گمشده سینمای امروز است؛ چه سینمای مستند و چه داستانی. اول، شخصیت‌پردازی است و دوم، «جهانی» منحصربه‌خود دارد. امیرمهدی حکیمی و دوست و همکارش، حجت بامروت، به‌دلیل هوش ذاتی‌شان در ساخت این مستند چنان پیش رفتند که موفق شدند برای «مهدی که به‌دنیا آمد» یک جهان تعریف کنند؛ جهانی که مشابه هیچ جهانی نیست. اینکه گمان کنیم «مهدی که به‌دنیا آمد» داستان یک طلبه و مسائل مبتلابه اوست یا حتی فکر کنیم دردها و مشکلات بی‌شمار جامعه ناشنوایان را مطرح می‌کند، کمی ساده‌انگاری و کم‌لطفی است. این مستند به‌دلیل شخصیت‌پردازی و جهان‌داری خود، یک فیلم کاملا انسانی است؛ درباره یک انسان که در هیچ‌جای دنیا نمونه‌اش یافت نمی‌شود. یک انسان منحصربه‌فرد با همه بیم‌ها و تردیدها و امیدها و یقین‌هایش.

یک ورود سینمایی عالمانه و عاقلانه

امیرمهدی حکیمی در حوزه علمیه مشغول تحصیل است. او به ادبیات علاقه‌مند است و تاکنون چندین کتاب از او به چاپ رسیده است. همچنان که دست‌به‌قلم است، دست به دوربین هم می‌برد. او چندسالی مسئول برگزاری دوره‌های آموزشی ادبیات و هنر در دفتر تبلیغات اسلامی خراسان بوده است. با اینکه باور دارد حوزه هیچ‌گاه از ادبیات و هنر دور نبوده است، قبول دارد که هنوز بعضی نگاه‌ها به فعالیت‌های هنری و فیلم‌سازی در میان طلاب، سرد است: «خوشبختانه نگاه‌ها تغییر کرده و به‌خاطر اینکه بستر فعالیت‌های ادبی‌هنری در حوزه علمیه وجود داشته است، روزبه‌روز شاهد گرایش‌های بیشتری میان طلاب به طرف سینما و هنر هستیم. به‌نظرم طلبه‌ها یا نباید به سینما ورود پیدا کنند یا باید عالمانه و عاقلانه این تصمیم را بگیرند.»

او با تاخیر به سینما ورود می‌کند و علت این تاخیرش هم این است که دوست داشته اگر قرار است وارد این حوزه شود، کاری را انجام دهد که مخاطب از دیدنش لذت ببرد.

به نظر این کارگردان عموما بعد از آنکه می‌شنویم یک طلبه کار فیلم‌سازی و سینما را پیش گرفته است، شاید نخستین چیزی که به ذهنمان متبادر شود، این باشد که: «سینما، منبر است». اما اغلب طلبه‌هایی که در وادی هنر فعالیت می‌کنند، این تعبیر را قبول ندارند. آن‌ها همانند حکیمی باور دارند که سینما سینماست و هرگز نمی‌تواند جای منبر را بگیرد: «منبر یک رسانه قدرتمند با مشخصات و مختصات خود است و سینما هرگز جای آن را نمی‌تواند بگیرد. سینما هنری است که نیاز به سواد و دانش دارد و نمی‌شود بدون پشتکار و پشتوانه به آن وارد شد.» بخشی از علاقه‌مندی افراد به سینما به‌خاطر کشف و خلق اثر هنری است و حکیمی هم خود را از این علاقه مستثنا نمی‌بیند؛ هرچند او به زبان هنر و تاثیرگذاری‌اش بر مخاطب نیز ایمان دارد.

روایت به‌دور از قضاوت

چگونگی روایت حقیقت است که جذابیت یک فیلم مستند را تضمین می‌کند، وگرنه دست بردن در حقیقت، فیلم را از ورطه «وریته»(سبکی غیردراماتیک در فیلم‌سازی مستند که تأکید دارد بر حضور دوربین و تعامل بین فیلم‌ساز و موضوع) دور می‌کند. «مهدی که به‌دنیا آمد» هم حقیقت محض است، فقط سازندگان فیلم در چگونگی بیان آن دست برده‌اند: «ما قضاوتی درباره شخصیت نکردیم، اما درباره تک‌تک عناصر درام فیلم، فکر و سعی کردیم نقاط عطف را سر جایش قرار دهیم، به‌موقع داستان را وارد ماجرای تازه‌ای بکنیم و.... سعی کردیم در پرداخت، کم‌وکسری نداشته باشیم و همه‌چیز را برای رویارویی مخاطب فراهم کنیم.»

عشق، انسانیت، ازخودگذشتگی و مفاهیمی از این دست، بدون شعار در فیلم دیده می‌شود و کاملا باورپذیر است. سازندگان فیلم خودشان را کنار کشیده‌اند و بدون اینکه دخالتی در چگونگی زندگی سوژه‌شان بکنند، اجازه داده‌اند که سوژه، خود به بهترین شکل ممکن بروز کند.

حکیمی می‌گوید: «در طول دو سالی که برای این فیلم زمان صرف کردیم، در جلسات مفصل و متعددی که با سوژه داشتیم، به همه راه‌هایی که بشود به انسانی‌ترین شکل ممکن فیلم را بسازیم تا مخاطب از آن لذت ببرد، فکر کردیم. سعی کردیم در بستر ناشنوایی نزدیکان سوژه و طلبگی خود او، مفاهیم انسانی را بیشتر نمایان کنیم، با این حال قضاوت با مخاطب است و او باید بگوید که ما برای بیان مفاهیم متعالی‌تر، موفق شده‌ایم یا خیر.»

تجربه ناشنوایی عظیمی‌نژاد

موسیقی «مهدی که به‌دنیا آمد» را آریا عظیمی‌نژاد ساخته است. این انتخاب هم صرفا از روی شهرت این موسیقی‌دان نبوده است. حکیمی در تشریح چرایی همکاری با عظیمی‌نژاد می‌گوید که او در دوره آهنگ‌سازی‌اش، ۱۰ سال ناشنوا بوده و به کمک سمعک صداها را می‌شنیده است: «به همین خاطر از همان اولی که سوژه را یافتیم، تصمیم گرفتیم ساخت موسیقی فیلم را به آقای عظیمی‌نژاد بسپریم. بخشی از صداهایی که در فیلم می‌شنوید، مربوط به موسیقی متن است که آریا عظیمی‌نژاد با استفاده از تجربه شخصی‌اش به آن رسیده است.»

در قاب تلویزیون

یک قصه تکراری

آیا ویژه‌برنامه‌های صداوسیما برای شب یلدا توانست نظر مردم را جلب کند؟

شکیبا افخمی‌راد| مناسبت‌های مختلف در طول سال فرصت‌های مغتنمی را دراختیار رسانه ملی قرار می‌دهد تا بتواند مخاطبان بیشتری را با خود همراه کند.

در این بین، تلویزیون در سال‌های اخیر با انتخاب برنامه‌های قابل‌پیش‌بینی و تکراری این فرصت‌ها را یکی پس از دیگری سوزانده است؛ روندی که در ویژه‌برنامه‌های شب یلدای امسال نیز مشهود بود. شنبه شب، هم‌زمان با طولانی‌ترین شب سال، شبکه‌های مختلف سیما هرکدام ویژه‌برنامه‌ای را روی آنتن بردند.

برنامه‌هایی با مجریان و میهمانان تکراری، به‌طوری‌که نه بازگشت رضا رشیدپور با شمایل جدیدش به شبکه ۳ و نه پخش دوباره دورهمی با اجرای مهران مدیری بعد از چندین ماه کش‌وقوس، توانست نقطه قوتی برای برنامه‌های تلویزیون باشد. تکرار شدن چند اسم محدود از مجریان ویژه‌برنامه‌های مختلف و همچنین چرخه تکراری افراد معروف دعوت‌شده به این برنامه‌ها، دیگر برای مخاطبان غافلگیرکننده نیست که بتواند آن‌ها را به پای تلویزیون بکشاند. ویژه‌برنامه‌هایی که دیگر به یک دیدوبازدید تلویزیونی تبدیل شده‌اند؛ به‌طور مثال سروش صحت، پژمان بازغی و علیرضا علیمردانی، سه مجری برنامه‌های مختلف شبکه نسیم، در شب یلدا میهمان برنامه دورهمی مهران مدیری بودند و بیشتر درباره برنامه‌هایشان در فضایی که کمترین بهره را از المان‌های مرسوم شب یلدا برده بود، به گپ‌وگفت پرداختند. برنامه‌های دیگر شبکه‌های صداوسیما نیز از این قاعده مستثنا نبود و همان افرادی به این برنامه‌ها دعوت شده بودند که آن‌ها را بارها در قاب تلویزیون دیده‌ایم و حرف جدیدی برای مخاطب ندارند. در اجرای موسیقی نیز این برنامه‌ها بیشتر از حضور خوانندگان جدید پاپ بهره گرفته بودند؛ خوانندگانی که سبک موسیقی و اشعارشان اصولا مرتبط با حال‌وهوای شب یلدا نیست.

با نگاهی به ویژه‌برنامه‌های شب یلدای امسال، می‌توان متوجه شد که رسانه ملی خودآگاه یا ناخودآگاه قصد تغییر رویه ندارد. همچنان افراد مطرحی را که حرفی برای گفتن دارند، بایکوت می‌کند. با کنار گذاشتن موسیقی فاخر ایرانی، عرصه را دراختیار خوانندگان پاپی که رشد روزافزون دارند، می‌گذارد و به این ترتیب، دوستی مخاطبانش را به دیگر رسانه‌ها تقدیم می‌کند.

هنر شهری

انتخاب ۳۲ اثر برای اجرا در شهر

برگزیدگان بخش «آذین‌بندی» سومین جشنواره هنرهای شهری مشهد معرفی شدند

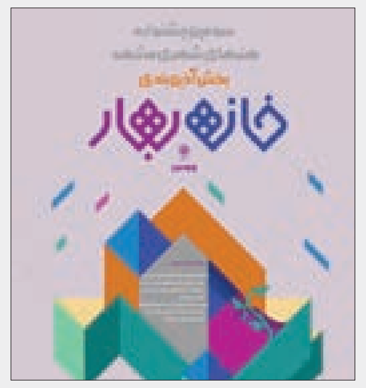

هنری| با نزدیک شدن به نوروز ۹۹، وضعیت بخش‌های مختلف جشنواره «خانه بهار» امسال یک‌به‌یک مشخص می‌شود تا طبق برنامه‌ریزی‌های دبیرخانه این رویداد، هنرمندان فرصت کافی برای پرداختن به آثار خود داشته باشند و آثار و طرح‌هایشان را به شکل بهتری برای اجرا و جانمایی در شهر ارائه کنند، از این‌رو روز گذشته برگزیدگان بخش «آذین‌بندی» سومین جشنواره هنرهای شهری مشهد با نام «خانه بهار ۹۹» معرفی شدند. صدرا یوسفی، دبیر سومین جشنواره هنرهای شهری مشهد، ضمن اعلام خبر معرفی نفرات برگزیده بخش آذین‌بندی گفت: «آذین‌بندی یکی از بخش‌های سومین جشنواره هنرهای شهری مشهد است که پس از انتشار فراخوان، با استقبال هنرمندان روبه‌رو شد.» به گفته او، مهران گلستان، علی عابدی و فرنگیس خاوری، اعضای هیئت داوران این بخش را تشکیل داده‌اند که پس از بررسی و داوری طرح‌های رسیده به دبیرخانه، ۳۲ اثر را انتخاب و برای طی فرایندهای بعدی و اجرا در نوروز ۹۹ به دبیرخانه جشنواره معرفی کردند. لازم به ذکر است افراد شرکت‌کننده در این رویداد، می‌توانند برای دریافت فهرست آثار برگزیده به آدرس khanebahar.ir مراجعه کنند.

کتابخوان

چون بوی تلخ خوش کندر

کتابی درباره زندگی فرهاد مهراد

بزازان| «چون بوی تلخ خوش کندر» نام کتابی است که «نشر ماهی»، بهار امسال درباره زندگی فرهاد مهراد، خواننده، نوازنده و آهنگساز محبوب ایرانی، منتشر کرده است.

این کتاب را که تاکنون سه‌بار بازنشر شده، وحید کهندل در ۳۰۴ صفحه به‌نگارش درآورده است. در بخشی از مقدمه کتاب به‌قلم کهندل می‌خوانیم: «در این کتاب قرار نیست سبک موسیقی و هنر فرهاد معرفی شود. کاری نداریم که سبک او چه بود، چه خواند و چگونه خواند. اینجا فرهاد در مقام یک انسان معرفی می‌شود. اگر با او به شکلی آشنا شده‌اید، کارهایش را شنیده‌اید یا یک‌بار از کنار شما رد شده و به شما لبخند زده است یا حتی اگر از نوع لباس پوشیدنش خوشتان آمده و یا طرح جلد کاست «خواب در بیداری» را دیده‌اید و به طراحش علاقه‌مند شده‌اید و حالا می‌خواهید بدانید منش او چه بوده، چگونه زندگی می‌کرده، چه چیزهایی او را آزرده یا خوشحال می‌کرده، اگر این‌ها برایتان جالب است، شاید این کتاب به شما کمک کند؛ البته انتظار نداشته باشید او را خوب بشناسید. چه‌بسا سردرگم‌تر از قبل شوید، زیرا فرهاد قصه‌ای بی‌انتهاست.»

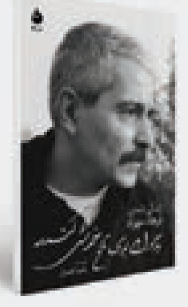

علاقه‌مندان می‌توانند برای تهیه آنلاین کتاب، به سایت نشر ماهی مراجعه کنند. همچنین نسخه چاپی «چون بوی تلخ خوش کندر» در کتاب‌فروشی‌ها توزیع شده است.